

خبر ادبی

بهروز یاسمی عنوان کرد:

یک تقسیم‌بندی سیاسی در ادبیات



بهروز یاسمی می‌گوید: این که جریان روشنفکری را در مقابل تعهد در ادبیات قرار می‌دهند، یک تقسیم‌بندی سیاسی و ایدئولوژیک است.

این شاعر در گفت‌وگو با ایسنا، درباره ادبیات متعهد و ادبیات روشنفکری اظهار کرد: جریان روشنفکری در ادبیات با تعهد آمیخته بوده و از آغاز مثلا در دوران مشروطه، عدالت‌خواهی، تجددطلبی و وطن‌پرستی از الزامات جریان روشنفکری بوده است. تفکیک ادبیات به دو حوزه روشنفکری و متعهد نه درست است و نه کارساز.

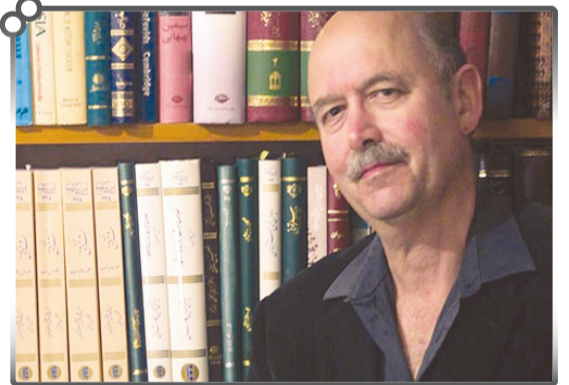
او با بیان این که خود فعالیت ادبی یک جریان روشنفکری است، گفت: زمانی که قلم برمی‌دارید و می‌نویسید در واقع می‌خواهید از طریق نوشتن دنیا را عوض کنید، دنیا را زیباتر یا لاقابل تحمل‌تر کنید.

یاسمی سپس بیان کرد: «شاهنامه»، رباعیات خیام، «گلستان» و «بوستان» سعدی و دیوان حافظ نوعی جریان روشنفکری‌اند؛ این که بگویم شعر سعدی شعر متعهدی است یا نه درست نیست چون تعهد بخشی از ذات ادبیات و به تبع جریان روشنفکری است؛ هم در ادبیات منظوم و هم در ادبیات منثور. شاید دوگانه‌سازی این دو مفهوم و در تقابل هم قرار دادن آن‌ها از آن‌جا شروع شد که جریان روشنفکری در عصر جدید با تجددطلبی خود سنت را به چالش کشید و گر نه مسئولیت سیاسی و اجتماعی شاعر می‌نویسنده از الزامات روشنفکری است. بنابراین روشنفکر نمی‌تواند نقطه مقابل متعهد باشد، مگر این که تعریف ما از تعهد یک تعریف فروکاسته و ایدئولوژیک باشد.

او درباره این که آیا تقابل ادبیات متعهد و روشنفکری می‌تواند منجر به پویایی ادبیات بشود، گفت: من که گفتم میان این دو تقابل و تعارضی بنیادین - لاقابل در عالم ادبیات - وجود ندارد ولی رقابت معمولا باعث پویایی و شکوفایی می‌شود. نیما می‌گفت شعر گذشته ما بیشتر کلی و ذهنی است تا عینی. از زمان نیما و حتی قبل آن در دوره مشروطه ادبیات دریافته بود که باید به مسائل روز و اجتماعی توجه کند، بنابراین گرایش به سمت مسائل اجتماعی همراه جریان روشنفکری وارد شعر و سپس رمان و داستان و دیگر گونه‌های ادبی شده بود. خلاصه این که در ادبیات منسوب و موسوم به متعهد، تلاش برای پررنگ کردن آرمان‌های سیاسی مذهبی یا ایدئولوژیک تعهد نامیده می‌شود ولی در دیگری تحت عنوان مسئولیت سیاسی اجتماعی شاعر مطرح است، پس هر دو اشتراکاتی دارند قبل از آن که با هم در تقابل باشند.



مولاناشناس آمریکایی درگذشت



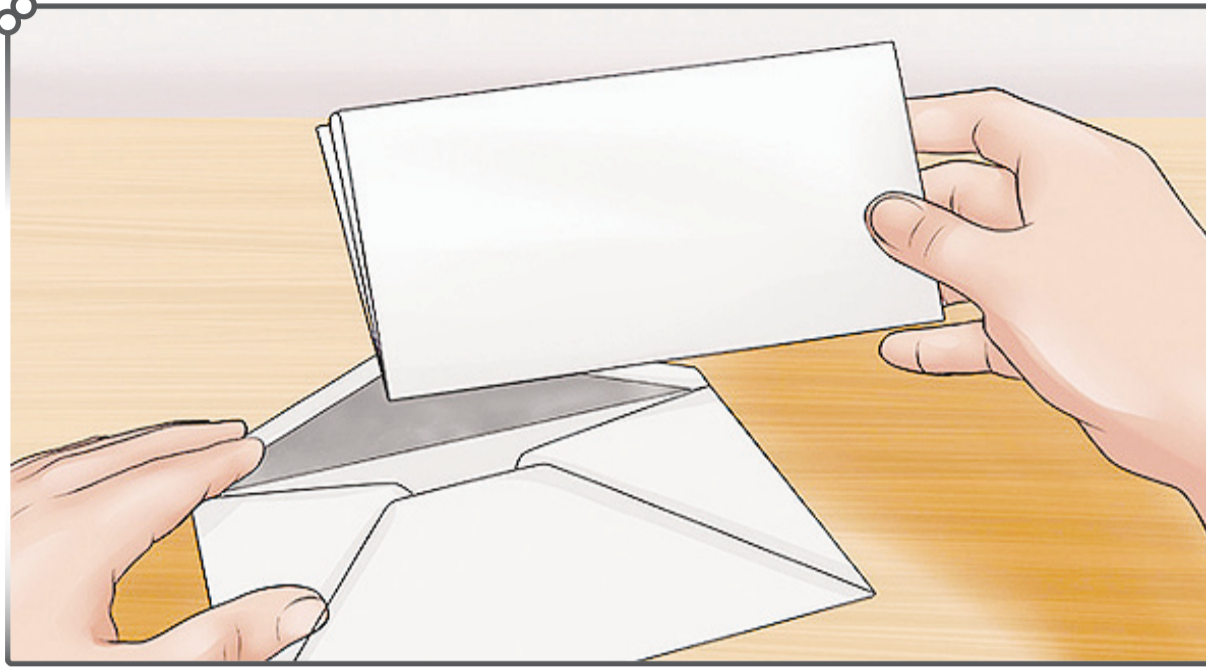
به گزارش ایبنا لئونارد لویزون، عضو بنیاد میراث ایران در بخش زبان فارسی و ادبیات صوفیه در مرکز مطالعات اسلامی دانشگاه اکستر انگلستان درگذشت.

دکتر لویزون در سال ۱۹۵۳ در آمریکا متولد شد و در بیست سالگی به عنوان مدرس زبان انگلیسی به ایران سفر کرد. او به دلیل علاقه‌مندی به ادب و فرهنگ ایرانی اسلامی، در دانشگاه شیراز زبان و ادبیات فارسی، دین و تاریخ اسلام و جامعه‌شناسی را آموخت و در نهایت موفق به دریافت مدرک کارشناسی در رشته روابط بین‌الملل شد. در ادامه، علاقه به ایران‌شناسی او را رهسپار دانشگاه لندن کرد و در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی به تحصیل ادبیات فارسی پرداخت و سپس در سال ۱۹۸۸ درجه دکترای خود را در رشته ادبیات فارسی کسب کرد.

لئونارد لویزون مدرس ارشد در موسسه مطالعات عربی و اسلامی دانشگاه اکستر در انگلستان بود و در زمینه مطالعات اسلامی، عرفان، تاریخ ایران فعالیت داشت. او متخصص ترجمه متون شعر و ادبیات صوفی فارسی بود و از جمله فعالیت‌های او میتوان به «فراسوی ایمان و کفر شیخ محمود شبستری»، «میراث تصوف» و «دوش دیدم که ملانک در میخانه زند: سی غزل از حافظ» اشاره کرد.

لئونارد لویزون در روز ۱۵ مردادماه ۱۳۹۷ (ششم آگوست ۲۰۱۸) درگذشت.

نامه نگاری های بزرگان ادبیات



مهدی طوسی

نامه سهراب به مادر

دلهی ۲۰ فروردین: مادر عزیزم، پریشب با هوایما وارد شدم یعنی شب عید به خاک هندوستان رسیدم. در توکیو بالاخره توانستم یک سفر بروم به کیوتو و نارا. این دو شهر سابقا پایتخت ژاپن بودند. بهترین آثار هنری در همین دو شهر است. بدون دیدن آن‌ها انگار ژاپن را ندیده‌ام.

دلهی شهر بزرگی است. دیروز همه اش در شهر گشتم. هیچ کجا به این اندازه باغ‌های بزرگ ندیده‌ام. خیال دارم دوچرخه کرایه کنم و همه جا را بگردم. این جا هم سحرخیز هستند حتی گنجشک‌ها صبح هنوز هوا تاریک بود که گنجشک‌ها جیک جیک می‌کردند. رنگ کلاغ‌ها یک کمی با کلاغ‌های ما فرق می‌کند. یعنی سر آن‌ها به بنفش می‌زند. این جا موجودات عجیب و غریبی پیدا می‌شود. مار فراوان است ولی من هنوز ندیده‌ام گاوها وسط کوچه و خیابان هستند و هیچ کس حق ندارد آن‌ها را کنار بزند. دلهی قدیم وضع بسیار بدی دارد به قدری مردم بدبخت و گرسنه و مریض هستند که تماشای آن اسفناک است.

من با جدیت مشغول یاد گرفتن انگلیسی هستم چون بدون دانستن این زبان نمی‌شود در این جا زندگی کرد. امروز می‌روم چند گاری را ببینم.

برسد به دست مشیری
قسمتی از نامه ی استاد شهریار به فریدون مشیری:

پیشرفت هنر و نمو قریحه ی شما نسبت به این مدت ناچیز حقا مایه ی اعجاب و شگفتی است. آن چه نزد شماست هنر واقعی و از هر تعریف و توصیفی بی نیاز است. من هم آن چه می‌نویسم، اظهار نظر صادقانه‌ای بیش نیست. من وقتی شعر خوبی را می‌خوانم به نظرم می‌آید که کلمات به شکل مرغان زیبا و تیز بالی پر باز کرده معانی مفاهیم را در آغوش می‌گیرند. از تماشای این تابلو که هر چه شعر بلندتر باشد، و روشن تر و وسیع تر است. حالتی که گویند در حین سرودن شعر داشته در من هم که خواننده‌ی آن اثر هستم بیدار می‌شود.

از نیما به عالیه نجیب و عزیزم:

می‌پرسی با کسالت و بی‌خوابی شب‌چطور به سر می‌برم؟ مثل شمع. همین که صبح می‌رسد خاموش می‌شوم و با وجود این، استعداد روشن شدن دوباره در من مهیا است. بالعکس دیشب را خوب خوابیده‌ام. ولی خواب را برای بی‌خوابی دوست می‌دارم. دوباره حاضرم. من هرگز این راحتی را به آن چه در تظاهر ناراحتی به نظر می‌آید ترجیح نخواهم داد... آه! شیطان هم

بلیقیس سلیمانی مطرح کرد؛

نگرانی از پیوستن به کپی‌رایت



جمله همین نویسندگانی جوانی که کتاب‌هایشان به چاپ‌های ۳۰ و ۴۰ می‌رسد. باید تولیدات ما بتوانند بدون گرفتن هیچ امتیازی رقابت کنند.

بلیقیس سلیمانی همچنین به ضعف قوانین داخلی حقوق مولف اشاره کرد و افزود: اگر قوانین بین‌المللی را نمی‌پذیریم در عرصه داخلی باید قوانین محکمی در

زمینه حقوق مولف داشته باشیم. من چون تنها با دو ناشر کار می‌کنم تا به حال مشکلی نداشته‌ام، ولی دیدم که بسیاری از نویسندگان از این قوانین شاکی هستند. اما مشکل کپی غیرقانونی همواره وجود داشته و پی‌دی‌اف کتاب‌های من اغلب به صورت گسترده در اینترنت قرار می‌گیرد. او تصریح کرد: به هر حال ما از همین کتاب‌ها نان می‌خوریم. گاهی وقت‌ها که ناشر این موضوع را پیگیری می‌کند، به جایی نمی‌رسد. مثلا می‌بینی فلان کس در مردودست تمام کتاب‌های من را در سایت گذاشته است. نمی‌دانم آیا قوانین داخلی وجود دارد که از ما دفاع کند یا نه؟

همایش دوروزه «حق مالکیت ادبی: گفته‌ها و ناگفته‌ها» از سوی انجمن صنفی داستان‌نویسان استان تهران و با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ۸ و ۹ شهریورماه امسال در دانشگاه کاشان برگزار می‌شود.

بومی هستند و ما نویسندگان چندان توانمندی نداریم که حرف جهانی داشته باشیم. ما ایزوله‌زبانی هستیم. یک زبان مهجور با کاربران بسیار کم داریم و همین مساله باعث شده که این سوی جهان تک و تنها بمانیم. هر طور نگاه کنیم قدرتی برابر با ادبیات دنیا نداریم و از این جهت پذیرفتن کپی‌رایت به ضرر مخاطبانی از طبقات طبقات پایین جامعه است که کتاب می‌خوانند. او درباره نگرانی‌های برخی نویسندگان داخلی از رقابت ناعادلانه‌ای که میان کتاب‌های تالیفی و ترجمه در بازار نشر وجود دارد، گفت: من فکر می‌کنم این نگرانی از نبود درک قوانین بازار سرچشمه می‌گیرد. بازار برپایه رقابت بنا می‌شود. این نوعی خودفریبی است. اگر ما واقعا قدرت تولید آثار خوب را داشته باشیم، باید بتوانیم با آن‌ها رقابت کنیم. خیلی وقت‌ها هم نشان داده‌ایم که قدرت این رقابت را داریم؛ از

ما مسئول عدم پذیرفتن کنوانسیون برن می‌دانند و این موضوع در برخی موارد مانعی برای ترجمه کتاب‌های ما نیست. نویسنده رمان «هارون» گفت: ولی واقعیت این است که ما از هر جهت فقیریم و من تردید دارم که اگر کپی‌رایت را بپذیریم آیا ادبیات ما فقیرتر می‌شود یا نه؟ اگر بپذیریم قاعدتا چهره بهتری در جامعه فرهنگی جهان پیدا خواهیم کرد، ولی مساله بر سر این است که آیا همچنان می‌توانیم بهترین ترجمه‌ها را داشته باشیم؟ آیا اقتصاد نشر ما این توانایی را دارد که هم حقوق مولف را بپذیرد و هم از مترجم حمایت مادی لازم را داشته باشد؟

سلیمانی با اشاره اینکه در حوزه کتاب ما نمی‌توانیم با بازار خارجی رقابت کنیم، افزود: عده بسیار اندکی هستند که می‌توانند کتاب‌هایشان را در جهان عرضه کنند. این موضوع دلایل گوناگونی دارد. یکی اینکه کتاب‌های ما اغلب

نازها منتظر

انتشار «گوش‌ها زودتر از چشم‌ها عاشق می‌شوند»

مجموعه داستان‌های کوتاه و داستاتک‌های مرتضی مجدفر به نام «گوش‌ها زودتر از چشم‌ها عاشق می‌شوند» منتشر شد. به گزارش ایسنا، این کتاب در ۶۶ صفحه با شمارگان ۵۰۰ نسخه در نشر امرود راهی بازار شده است. عشق بهاری، عشق بیابانی، عشق خلبانی، عشق خیابانی، عشق در سفر، عشق شکاری، عشق نوستالژیک، عشق معاش، عشق مبارزه و عشق مدرسه عنوان داستان‌های کوتاه و عشق بن‌بست، عشق معکوس، عشق گم‌شده، عشق سنتی و عشق رویش عنوان داستاتک‌های این کتاب است. در نوشته پشت جلد کتاب می‌خوانیم: جلال متوجه رفتارهای خانم شده بود، ولی نگاه کردن دست خودش نبود و حتی اگر می‌توانستیم از او بپرسیم، می‌گفت: «شما هم بودید نگاه می‌کردید. چرا نگاه نکنید؟ یک جفت از چشمان زیبای دنیا با صورتی به‌غایب زیباتر و دل‌برتر، مقابل‌تان نشسته است و شما نمی‌توانید خودتان را به راحتی از این مهلکه خانمان‌برانداز بیرون بکشید!» قارادوواق (سیاه‌پوش) داستاتک‌های ترکی-فارسی، «قیرمیزی سئوگی» (عشق سرخ) داستان‌های ترکی-فارسی درباره هواداران تیم تراکتورسازی تبریز، «بسیار سیاسگزارم از به دنیا آمدنم» (ترجمه شعرهای ناظم حکمت)، «ماهی‌های عاشقانه» (ترجمه شعرهای معاصر جمهوری آذربایجان) و... از دیگر کتاب‌های این نویسنده و مترجم است.



انتشار روایت فرهاد مسن‌زاده از «عمه فائم و ماهراهای آبکی»

به گزارش مهر، «عمه خانم و ماجراهای آبکی» مجموعه‌ای سه جلدی به قلم فرهاد حسن زاده است که از سوی انتشارات نردبان برای کودکان گروه سنی «ب و ج» منتشر شده تا کودکان را با صرفه‌جویی در مصرف آب و استفاده بهینه از آن آشنا کند. در این مجموعه داستان از عمه خانمی به نام «عمه زمزم» گفته شده که با تمام عمه‌های دنیا فرق دارد. او زنی مهربان و دانشمند است که یک دستگاه عجیب اختراع کرده: عمه زمزم با برادرزاده‌هایش، گروهی به نام «آب‌بان» تشکیل می‌دهند و به سراغ افرادی می‌روند که روش صحیح استفاده از آب را بلد نیستند و برای نجات زمین تلاش می‌کنند. عمه زمزم فکر می‌کند، زمین در حال نابودی است و باید از مصرف بی‌رویه آب جلوگیری کرد. همه بچه‌ها می‌توانند در گروه «آب‌بان» عضو شوند و در نجات زمین بکوشند. «چطور باید یک ماشین را به حمام بر»، «شیر آب حرف گوش کن» و «شیلنگ آب فش فشو» عنوان‌های سه جلد این مجموعه است که با تصویرگری نازنین جمشیدی منتشر شده است.

رونوشت آگهی حصر وراثت

خواهان رونوشت حصر وراثت صدیقه احدی فرزند محمد به شرح دادخواست تقدیمی ثبت شده به کلاسه ۰۰۲۵۷۰۰۲۶۷ از این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان فاطمه محمودی به شماره شناسنامه ۵ در تاریخ ۱۳۹۶/۰۱/۲۹ در اقامتگاه دائمی خود پدرود حیات گفت و ورثه حسین القوت آن منحصر است به: ۱. صدیقه احدی به ش.ش ۴۱۱۴ صادره از تهران - فرزند متوفی ۲. محبویه احدی به ش.ش ۱۳۶۹ صادره از تهران - فرزند متوفی ۳. علیرضا احدی به ش.ش ۴۵۰۱ صادره از تهران - فرزند متوفی ۴. حسین احدی به ش.ش ۶۴۷۵۸ صادره از تهران - فرزند متوفی ۵. قاسم احدی به ش.ش ۴۳۷۱ صادره از تهران - فرزند متوفی ۶. محمد احدی به ش.ش ۲۸۰۹ صادره از اراک - همسر متوفی - اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور یک نوبت آگهی می‌گردد تا چنانچه شخصی اعتراضی دارد و یا وصیت نامه ای از متوفی نزد او می‌باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف مدت یکماه به این دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.

۰۷۲۴/۵۰۷۲۴- مسئول دفتر شعبه شورای حل اختلاف شعبه ۱۵۷ مجتمع شماره چهار شورای حل اختلاف شهر تهران

آگهی تغییرات شرکت پاس آوید سپهر با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۴۷۱۲۵۱ و شناسه ملی ۱۴۰۰۴۸۶۴۴۹۷

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۴/۲۳ تصمیبات ذیل اتخاذ شد: شرکت مذکور در تاریخ فوق منحل اعلام گردید و فاطمه پارساپور به کدملی ۰۰۶۹۷۹۳۹۹۹ به سمت مدیر تصفیه انتخاب گردید. نشانی محل تصفیه تهران - پاسداران -گارستان یکم شرقی -پلاک ۱۲ -واحد ۲ - کدپستی ۱۶۱۱۹۶۷۵۱۳ می‌باشد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری تهران (۲۲۲۴۷۷)

آگهی انتقالی شرکت مهندسی پزشکی تو سن تجهیز مسولیت محدود

بموجب نامه شماره ۲۵۸۹۲/۹۶ مورخه ۱۳۹۶/۲/۱۶ و بموجب صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخه ۱۳۹۵/۱۱/۱۹ مرکز اصلی شرکت مهندسی پزشکی توسن تجهیز مسولیت محدود به شماره ثبت ۱۴۱۵۵۱ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۴۵۶۰۹ مرکز اصلی شرکت مهندسی پزشکی توسن تجهیز مسولیت محدود به شماره ثبت ۱۴۱۵۵۱ شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۴۵۶۰۹ به پردیس -قاز ۶- سیهارود -روستامراد تپه - جاده تهران دماوند (پارک فناوری) -کوچه نوآوری ۶ -پلاک ۶۵ -طبقه هفکف -کد پستی ۱۶۵۷۱۶۷۳۱۴ انتقال یافت و تحت شماره ۱۳۱۴ به ثبت رسیده است حجت اله قلی تبار سرپرست اداره ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری شهرستانهای استان تهران

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری پردیس (۲۲۲۴۷۸)

آگهی تغییرات شرکت مهر جام سدید سهامی خاص به شماره ثبت ۲۰۶۸ و شناسه ملی ۱۰۲۲۰۸۶۶۰۰۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق العاده مورخ ۱۳۹۷/۰۱/۰۵ تصمیبات ذیل اتخاذ شد: - شعبه شرکت به آدرس تهران میدان شوش - خیابان دشینان زاده پاساز نور طبقه اول پلاک ۵۵۲ کدپستی ۱۸۸۶۳۱۷۸۶ تاسیس گردیده و ماده مربوطه در اساسنامه اصلاح گردید حجت اله قلی تبار سرپرست اداره ثبت شرکتها وموسسات غیرتجاری شهرستانهای استان تهران

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران مرجع ثبت شرکت ها و موسسات غیرتجاری پاکدشت (۲۲۲۴۷۹)